



The intergenerational perception of loyalty and mechanisms used in the face of disloyalty (Daughters and their mothers lived experience in Tehran)

Sedigheh Piri¹ | Zahra Asad Heydari²

1. Corresponding Author, Department of Social Science, Faculty of Sociology, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran. E-mail: sedighe.piri@atu.ac.ir

2. Department of Social Science, Faculty of Sociology, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran. E-mail: zahra.asad.heydari@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 15 November 2022

Received in revised form: 7

December 2022

Accepted: 2 January 2023

Published online: 22 June 2023

Keywords:

Daughters,
loyalty,
meaning,
mechanism,
Mothers,
Tehran.

ABSTRACT

The primary goal of this study is to observe conceptual changes in loyalty. The research questions are as follows: What is the difference between girls' and their mothers' understanding of loyalty? And what is their reaction to the disloyalty of their spouses? Through reviewing related studies, the most important innovative aspect of this study is that it attempts to analyze the experience of two generations of daughters and mothers in the field of loyalty understanding. Also, another innovative aspect of this study is that it intends to deal with their strategies for achieving loyalty and confronting disloyalty. Theoretical concepts such as Bowman's "Liquid Love," Giddens' "Pure Relationship Theory," Illouz's "Emotional Capitalism," Badiou's "In Praise of Love," and "Ideal Types of social actions" were used to raise theoretical sensitivities. The research method is thematic analysis. The data were collected using a semi-structured interview technique. The samples were Tehranin married daughters aged 23-33 and their mothers (13 mothers and 13 daughters). Based on the primary and the secondary objectives, we grouped 15 main categories into three demans.

The first dimension is the semantic conception of loyalty, including multiple elements of loyalty meaning, intergenerational interpretation of loyalty concept, liberating loyalty, loyalty as the commitment to housekeeping roles, and commodified love and loyalty; the second dimension contains strategies which include: the restorative insight of mothers, daughters' eliminative reaction, effective persuasion, legitimation strategy, a ternary mixture of "conversation, counseling, friendship-basis," and reconsideration in the relationship; We named the final dimension as intervenors, which includes: the shadow of the paternal family and mothers being as referent, religious-moral beliefs and guarantees of loyalty, fear of disputes escalation in case of family intervention, and the importance of the chosen strategies in crucial situations.

The findings show a diversity of meanings related to loyalty among participants.

A) The dominant concept of loyalty in both generations is sexual and emotional betrayal.

b) Another common meaning is that loyalty is a kind of relationship based on adherence to commitment, roles, and responsibilities.

c) Another meaning of generally emphasized loyalty, is loyalty as a kind of inner emotional bond, a high level of intimacy, love, and the expression of love.

d) Loyalty is one of the most important moral and religious principles emphasized by mothers.

e) Loyalty is meaningful as long as it does not hinder their freedom as seen in daughters.

The results show that the meaning of loyalty largely depends on the age of participants, mothers commonly percept disloyalty as betrayal, and daughters who are closer to their mothers in terms of age have a similar definition, but in younger daughters, the definition of loyalty is more biased to concepts such as love, intimacy, and liberation. Religious beliefs influence the choice of strategies, especially in mothers; The academic capital of mothers and daughters affects the way they interpret loyalty, and those with higher academic capital, even in more socially prestigious areas, have newer and more modern perceptions of loyalty, which has been mentioned in the previous chapters; The cultural capital, primarily academic capital, in the family, especially in mother, play a very important role helping daughter in choosing strategies while facing challenges, when cultural capital is high, her experience and

guidance, make solving daughter's marital issues easier, directing daughters to the efficient family consultations, sticking to conversations instead of spreading issues to the families, are some of such strategies. On the other hand, when the cultural capital is low, facing issues incorrectly by both parties, disloyalty, or even a sense of it, lead to divorce; age also has an impact on choosing strategies. The restorative strategies are more common to mothers, while eliminative one, commodified emotional relationships, and consultation are more common among daughters. Mothers rarely use consultation, sometimes with an incorrect imagination of it because of encouraging youth to divorce; Low economic capital affects chosen strategies in both daughters and mothers. Those from weaker economic backgrounds often opt for restorative and legitimation strategies over eliminative ones. An eliminative strategy is more common among economically independent people.

Cite this article: Piri, S., & Asad Heydari, Z. (2023). The intergenerational perception of loyalty and mechanisms used in face of disloyalty (Daughters and their mothers lived experience in Tehran). *Women in Development and Politics*, 21(2), 541-569. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.351235.1008276>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.351235.1008276>



زن در توسعه و سیاست

فهم نسلی وفاداری و سازوکارهای مواجهه با بی‌وفایی (تجربه دختران تهرانی و مادران آنها)

صدیقه پیری^۱ | زهرا اسدحیدری^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: sedighe.piri@tu.ac.ir

۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: zahra.asad.heydari@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p>واژه‌های کلیدی: راهبرد، تهران، دختران، مادران، تغییرات معنایی، وفاداری.</p>	<p>هدف پژوهش حاضر پاسخ‌دادن به این پرسش است که دختران و مادرانشان چگونه وفاداری را فهم و معنا می‌کنند. به عبارتی میان فهم و درک دختران و مادرانشان از وفاداری چه تفاوتی وجود دارد؟ همچنین در امتداد آن، این سؤال مطرح می‌شود که راهبرد این دو گروه هدف در مواجهه با بی‌وفایی چیست. در خلال پاسخ به این پرسش‌ها و رصد تحولات معنایی و ارزشی مفهوم وفاداری، تفاوت معنادهی، مواجهه و راهبردهای به‌کاررفته توسط دختران متأهل و مادرانشان در مواجهه با فقدان وفاداری مورد مذاقه قرار گرفت. از مجموعه مفاهیم نظری «عشق سیال» باومن، «رابطه ناب» گیدنز، «سرمایه‌داری عاطفی» ایلوز، «ستایش عشق» بدیو، «انواع کنش‌های معنادار» وبر، مفهوم مدارای اجتماعی و مواردی از این قبیل برای ایجاد حساسیت نظری در کار پژوهش استفاده شد. به کمک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، داده‌ها از ۲۴ مصاحبه با دختران ۲۳-۳۳ ساله (متأهل) شهر تهران و مادرانشان جمع‌آوری شد. با استفاده از روش تحلیل تماتیک، ۱۵ مضمون اصلی به‌دست آمد که آن‌ها را در سه محور دسته‌بندی کردیم. محور اول تصور معنایی از وفاداری است، محور دوم شامل راهبردها و محور پایانی مداخله‌گرها است.</p>

استناد: پیری، صدیقه و اسدحیدری، زهرا (۱۴۰۲). فهم نسلی وفاداری و سازوکارهای مواجهه با بی‌وفایی (تجربه دختران تهرانی و مادران آنها). زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۲)، ۵۴۱-۵۶۹.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.351235.1008276>



۱. مقدمه

مطابق آمار نرخ طلاق در دهه اخیر، از ۱۰/۶۹ در سال ۱۳۸۴ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. طلاق در ایران در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال قبل ۳/۶ درصد رشد داشته است. بیشترین میزان طلاق، یعنی حدود ۸۵ درصد آن‌ها در شهرها و ۱۵ درصد در مناطق روستایی رخ داده است (Etemadifard, 141: 2015).

یکی از عوامل مهم در بروز طلاق، عدم تعهد است. تعهد یا وفای به عهد، یکی از مهم‌ترین ارزش‌های انسانی است که پایه و اساس مانایی و پایداری مهم‌ترین پیوند جامعه (پیوند میان زن و مرد) است و در بسیاری از آموزه‌های فرهنگی-تاریخی در کشور ما بر آن تأکید شده است. امروزه با پیشرفت مدرنیته، ارزش‌ها، سبک زندگی و شرایط اجتماعی دستخوش تغییراتی شده است. همچنین پیشرفت‌های فناورانه و گسترش بیش از پیش رسانه‌های جمعی و عمومیت‌یافتن استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، شکل و صورت‌بندی روابط در سراسر جهان و همچنین کشور ما، ایران را دستخوش دگرگونی کرده است. این تغییرات در سبک روابط عاشقانه و صمیمانه و ارزش‌های مربوط به آن نیز موجب تحول شده است. یکی از ارزش‌های مهم روابط بین همسران وفاداری است که به موجب حادث شدن شرایط متفاوت اجتماعی و فرهنگی دچار تغییرات معنایی و ارزشی می‌شود و سبک زندگی مسلط بر هر دورانی شیوه فهم، زیست و مواجهه با آن را فراهم می‌آورد؛ بنابراین در سال‌های اخیر به‌ویژه در ایران شاهد تحولاتی در حوزه روابط بین فردی و عاشقانه و صمیمانه هستیم که به تعبیر گیدنز «دگرگونی صمیمیت» از پیامدهای مهم آن است. رواج پدیده روابط خارج از چارچوب زناشویی، تجارب متعدد روابط عاطفی و جنسی، اهمیت یافتن بیش از پیش مسئله‌ای به نام عشق رمانتیک، روابط بسیاری که گسسته می‌شوند و... همه و همه از این نوع تغییرات در سطح خانواده‌ها به‌شمار می‌روند که پیامدهای زیادی داشته‌اند. در کشور ما خیانت و همچنین نارضایتی جنسی در روابط زناشویی در میان زوج‌های جوان از مهم‌ترین دلایل طلاق قانونی و همچنین طلاق عاطفی محسوب می‌شود (Mokhtari et al., 72: 2018).

امروزه در پژوهش‌های بسیاری که در ایران صورت گرفته روابط خارج از زناشویی و بی‌وفایی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین علل تعارضات و نارضایتی زناشویی، انحلال نهاد خانواده و طلاق زوجها ذکر شده است. سایر پژوهش‌ها نیز افزایش بی‌وفایی و خیانت در بین زوج‌های ایرانی را به‌عنوان آسیبی جدی مطرح می‌کنند که امروزه یکی از مهم‌ترین دلایل مراجعه زوج‌های ایرانی به مراکز مشاوره و روان‌درمانی است (Choupani, 82: 2019). رواج پدیده روابط خارج از چارچوب زناشویی،

دوستی با جنس مخالف در میان متأهلان، تجارب متعدد روابط عاطفی و جنسی، اهمیت یافتن بیش از پیش مسئله‌ای به نام عشق رمانتیک، افسردگی‌های ناشی از گسست روابط عاطفی، افزایش مراجعه به مشاور با محوریت موضوع خیانت، افزایش آمار ازدواج سفید، افزایش خانه‌های اجاره‌ای برای مجردان، روابط باز و آزاد در شبکه‌های اجتماعی که گویای تحول و شکافی بین نسل جوان با نسل پدران و مادرانشان نسبت به ادراک از مفهوم وفاداری است و... سبب طرح ایده پژوهش حاضر شده است؛ بنابراین این پژوهش معنای وفاداری را با رویکرد تفسیری مورد مطالعه قرار می‌دهد و از طریق فرایند معنادهی و فهم و تفسیر آن‌ها، به تحلیل مواجهه دختران و مادران آن‌ها با بی‌وفایی می‌پردازد. هدف تحقیق آن است که با آگاهی بیشتر از پدیده و با تبیین تحولاتی که متأثر از تغییر معنایی و مفهومی است، به الگوی اشتراکات و افتراقات بین دو نسل متفاوت در شهر تهران دست یابد. رصد تحولات مفهومی وفاداری و نوع مواجهات دختران و مادران برای توصیف وضعیت و تحولات بین نسلی در جامعه کنونی ایران، هدف اصلی تحقیق حاضر است. به این ترتیب در این پژوهش این سؤال مطرح می‌شود که میان فهم و تجربه زیسته دختران و مادرانشان از مفهوم وفاداری چه تفاوت‌هایی وجود دارد و سازوکارهای مواجهه مادران و دختران با بی‌وفایی چگونه است.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱-۲. پیشینه نظری

۱-۱-۲. نسل: مفهوم نسل از نیمه دوم قرن بیستم با مطالعات کارل مانهایم وارد رشته علوم اجتماعی شد (Azadarmaki, 2010: 7). نسل به همه مردمانی که به‌طور هم‌زمان زندگی می‌کنند اشاره دارد و هر نسلی براساس تجارب خود حدودمرزی از خویش به‌دست می‌دهد (Azadarmaki, 2016: 47). اینگلهارد در مطالعه خود به تحولات نسلی پرداخته و معتقد است دگرگونی فرهنگی بیشتر از طریق جایگزینی جمعیت یک نسل به‌جای نسل دیگر صورت می‌پذیرد (Inglehart, 2016: 3). وی در ارتباط با دگرگونی فرهنگی می‌افزاید که این‌ها به‌آرامی و معمولاً از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های جدید تحقیق می‌یابد. جامعه به‌میزانی که متحول می‌شود، بر فضای نسلی آن افزوده می‌شود و تفاوت نسل‌ها بروز می‌کند. هر نسلی نیازها، انتظارات و مشکلات خاصی دارد (Azadarmaki, 2016: 187-188).

۲-۱-۲. عشق سیال! باومن در عشق سیال به بررسی روابط انسانی میان زنان و مردان می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه در دوران مدرن، پیوندهایشان بسیار شکننده شده و چگونه روان‌شناسی، بازار

و... انسان‌ها را به سوی ایجاد پیوندهای سست سوق می‌دهد. به‌زعم باومن (Bauman, 2003) در جامعه صنعتی با تحول شکل خانواده و سیستم اقتصادی، ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به ازدواج دچار دگرگونی شده و ازدواج به رابطه‌ای تبدیل شده که در آن حرف نخست را عشق می‌زند و افراد براساس نیاز عاطفی به سمت تشکیل خانواده می‌روند. به بیان باومن تولیدمثل به شکل یک بار اضافی بر گردن ازدواج و روابط جنسی گذاشته شد که برخی مخاطرات را برای روابط به‌وجود آورد (Bauman, 2005: 87).

۳-۱-۲. رابطه ناب؛ گیدنز در «پیامدهای مدرنیته» به مسئله تغییر شکل «صمیمیت» می‌پردازد. در این دوران روابط انسانی به سمت نوعی رابطه ناب حرکت می‌کند. در این نوع رابطه، روابط انسانی برای نفس رابطه برقرار می‌شود. رابطه‌ای که فقط تا زمانی ادامه می‌یابد که هر دو طرف نه به دلیل سنت یا احساس تعهد، بلکه به دلیل رضایت از رابطه در کنار هم می‌مانند (Hall, 2003). براساس کتاب‌های گیدنز می‌توان پنج ویژگی اصلی روابط ناب را تشخیص داد: ۱. روابط خالص مبتنی بر ضرورت ارتباط آزاد و باز هستند؛ ۲. افراد برای کسب منفعت و رضایت وارد روابط خالص می‌شوند و آن را حفظ می‌کنند؛ ۳. از آنجا که سطح تعهد در روابط خالص نسبتاً پایین است، هر شریک می‌تواند در هر نقطه خاص رابطه را خاتمه دهد؛ ۴. در این رابطه هریک از طرفین مستقل است و به دیگری احترام می‌گذارد؛ و ۵. رابطه خالص قراردادی است که همیشه قابل مذاکره و بحث است (Giddens, 2008).

۴-۱-۲. سرمایه‌داری عاطفی؛ ایوا ایلوز^۴ مرز بین عواطف خصوصی و زندگی جمعی را محو می‌کند. او نشان می‌دهد سرمایه‌داری، دنیایی عاطفی ایجاد کرده که زیر سلطه عقلانیت بوروکراتیک است و رفتار اقتصادی با روابط صمیمی در تعارض و عشق واقعی با محاسبه و نفع شخصی مخالف است (Almeling, 2009). ایلوز معتقد است در دهه‌های گذشته شاهد آزادی و برابری در تعهد عاطفی هستیم. عشق رمانتیک شامل دو انقلاب فرهنگی بسیار مهم در قرن بیستم بود: فردی‌سازی سبک زندگی و اقتصادی‌سازی روابط اجتماعی. میل جنسی از هنجارهای اخلاقی رها شد و زیر چتر سبک زندگی فردگرا قرار گرفت. درعین حال، فرهنگ سرمایه‌داری در مقیاسی وسیع و گسترده وارد ساخت روابط رمانتیک و عشقی شد (Illouz, 2017: 5).

1. Bauman
2. pure relationship theory
3. emotional capitalism
4. Eva Illouz

۵-۱-۲. در ستایش عشق: آلن بدیو عشق را صرفاً دیدار دو فرد و رابطه آن‌ها نمی‌داند. عشق صحنه نمایش «دو» است. عشق تنها همان دیدار و وجه رمانتیک و پرشور آن اوایل نیست، بلکه نوعی ساختن است که تداوم می‌یابد. «عشق حقیقی عشقی پایدار است و گاهی توأم با زحمت بسیار بر موانع برخاسته از زمان، مکان و جهان چیره می‌شود» (Badiou & Truong, 2012: 5). بدیو به خواص ضروری عشق می‌پردازد و یکی از ویژگی‌های اصلی عشق را عنصر خطر می‌داند. او می‌گوید «عشق شامل جدایی یا گسست مبتنی بر تفاوت ساده بین این دو نفر و ذهنیت‌های نامتناهی آن‌ها است». این شناخت تفاوت است که دیگر به شخص اجازه نمی‌دهد که وجود خود را «از منظر یکی، بلکه از منظر آن دو» بسازد. تفاوت این دو موضوع در این است که فرایند عشق را مخاطره‌آمیز می‌کند و به آن امکان ایجاد تازگی می‌دهد (Ibid).

۶-۱-۲. مدارای اجتماعی: مدارای اجتماعی را می‌توان پذیرش تفاوت‌ها و تمایزها در جامعه و در کنش‌های جمعی تعریف کرد. مدارای اجتماعی به‌طور ضمنی سرآغاز گفتمان، آزادی عقیده، آزادی وجدان و آزادی بیان است. به عبارت دیگر، این امکان را به افراد می‌دهد تا ویژگی‌های شخصی و محافظت از اعتقادات و رفتارهایی را داشته باشند که دیگران آن‌ها را نادرست یا منفی می‌دانند. مدارا با دیگران، کلید انسجام و همسازی اجتماعی است. به اعتقاد سکارمن^۲ دو نوع مدارا را می‌توان از هم تشخیص داد. مدارا در حالت سلبی که به بی‌توجهی به کنش‌های دیگران مربوط می‌شود و به‌نوعی واگذاشتگی دیگران به حال خودشان است. مدارای مثبت به‌صورت حمایت از کنش‌های دیگران به‌ویژه گروه‌های جنسیتی و... دیده می‌شود (Afshani, 2002). به‌علاوه تقسیم‌بندی‌های مذکور، وگت^۳ (۱۹۹۷) مدارا را در سه دسته مدارای اجتماعی، مدارای اخلاقی و مدارای سیاسی در نظر می‌گیرد. مدارای اجتماعی به ویژگی‌های انتسابی و اکتسابی فرد مربوط است، مدارای اخلاقی به صورت گرایش‌های رفتاری در محیط‌های خصوصی در می‌آید، برخلاف مدارای اخلاقی، مدارای سیاسی به شکل تمایلات رفتاری در محیط‌های عمومی نشان داده می‌شود (Phelps, 2004: 24-26).

۷-۱-۲. انواع کنش‌های معنادار: ماکس وبر چند نوع کنش معنادار معرفی می‌کند. او ابتدا از کنش سنتی یاد می‌کند که به مرز امر عقلانی نزدیک است. در این نوع کنش، تقریباً به‌صورت خودکار به محرک‌های عادی پاسخ داده می‌شود. به عبارتی مشابه با رفتاری که بارها انجام شده است (Craib, 2003: 98). در اینجا هم هدف از انجام کنش و هم ابزارهایی که برای رسیدن به این

1. Alain Badiou
2. Scarman
3. W. Paul Vogt

هدف برگزیده می‌شوند، تنها براساس رعایت اصول سنتی است (Tanhaei, 1995: 293). نوع دوم کنش، مبتنی بر عاطفه است که در آن، منشأ بیرونی وجود دارد. هرچند در این نوع کنش استدلال مدنظر نیست و صرفاً براساس عمل انجام‌شده، واکنش صورت می‌گیرد (Tanhaei, 2003; Craib, 1995). سومین نوع کنش، مبتنی بر ارزش غایی است که به صورت خودآگاهانه متمایل می‌شود. این کنش مانند کنش عاطفی لزوماً به دنبال هدفی بیرون از خود نیست، بلکه صرفاً طالب ارضای خویش است. در اینجا اهداف، عقلایی و بخردانه است، اما راه‌های انتخابی برای رسیدن به اهداف لزوماً عقلایی نیستند (همان). چهارمین و عقلانی‌ترین نوع کنش این است در آن هدف، وسیله و پیامدهای کنش همگی در نظر گرفته می‌شوند و همه چیز در خدمت نظامی از اهداف خاص است (Craib, 2003: 98-100).

در این پژوهش نظریه یا چارچوب نظری به معنای رایج آن مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در عین حال برای حساسیت به فهم معنای پدیده وفاداری یا دگرگونی نسلی معنایی در این حوزه، با تمرکز بر مفهوم‌پردازی‌های جامعه‌شناسانی که به نوعی به انسان‌شناسی مدرن می‌پردازند، مانند عشق سیال، رابطه ناب و رابطه کالایی شده سعی دارد تغییر و تحولات معنایی وفاداری به‌ویژه در نسل جدید را مفهوم‌پردازی کند. از سوی دیگر با سازه‌های نظری دیگری که به گونه‌ای با بستر فرهنگی جامعه ایران، به‌ویژه در ارتباط با یافته‌های مرتبط با نسل‌مداران، همسو است، به سراغ مفاهیمی مانند کنش‌های عاطفی، سنتی و غایی وبر، مفهوم عشق بدیو و مفاهیمی از قبیل مدارای اجتماعی رفته است.

۲-۲. پیشینه تجربی

در این قسمت با مرور مطالعات پیشین، جایگاه تحقیق حاضر در فرایند انباشت دانش مربوطه مشخص می‌شود. فتحی و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند نمونه‌های تحقیق، عدم ارضای نیازهای جنسی و برآورده نشدن نیازهای عاطفی در روابط زناشویی را دلیل اصلی بی‌وفایی خود می‌دانند. نتایج مطالعه زرنندی و همکاران (۲۰۱۷) مشخص کرد تجربه زیست کودکی و نوجوانی، پارادوکس ارزش‌های فردی، ویژگی‌های شخصیتی، تجربه زندگی مشترک، سبک زندگی مصرفی-فراغتی، هنجارهای تجویز شده ازدواج، نیاز به کسب تجربه عشق و دستاوردهای نوین زنان، به‌مثابه شرایط علی، تعهد را به امری سیال تبدیل کرده است. مطابق مطالعه فیروزجائیان و قدیری (۲۰۱۷)، روابط فرازناشویی معلول عوامل متعدد و متکثری است: فردگرایی، ضعف دینداری و اخلاقی، عدم رفع نیازهای جنسی، عدم رفع نیازهای عاطفی و روانی، خشونت فیزیکی و کلامی شوهر، ضعف نظارت بر زندگی و زندگی صادقانه، تأثیرپذیری از دوستان، فقر و مشکلات اقتصادی، اعتیاد، رسانه‌ها و

شیوع فرهنگ فساد در جامعه. آسایش و همکاران (۲۰۱۷) می‌گویند بی‌وفایی پدیده‌ای است که به‌طور یکسان توسط همه زنان قربانی تجربه نمی‌شود. به این ترتیب براساس دیدگاه سازه‌گرایان اجتماعی، این امر بیانگر ادراک متفاوت زنان قربانی است که موجب ایجاد الگوهای متفاوتی از واکنش‌دهی به بی‌وفایی در زنان می‌شود. آنان نشان می‌دهند بی‌وفایی از لحاظ شناختی در همه زنان آسیب‌دیده تجربه نمی‌شود و آثار شناختی آن می‌تواند ناسازگارانه یا سازگارانه باشد و تیپ شخصیتی، اعتقادات مذهبی، داشتن فرزند و کیفیت رابطه با همسر در کیفیت واکنش‌های زنان آسیب‌دیده تأثیرگذار است. اوباریسیاگون و اومی (۲۰۲۲) نشان دادند جذابیت جسمانی، صمیمیت عاطفی، نیازها و نارضایتی جنسی، سوء‌مصرف مواد، تنهایی و عدم اعتقاد به تک‌همسری از انگیزه‌های زیاده‌روی مردان در امور فرازنشویی است. با مرور مطالعات مرتبط مشخص می‌شود مهم‌ترین وجه نوع آوری پژوهش حاضر این است که از زاویه دید نسلی به واکاوی تجارب در زمینه فهم و تصور از وفاداری بپردازد و از این زاویه درصدد پی‌بردن به دگرگونی‌های مفهومی ایجادشده است. همچنین وجه دیگر نوآوری تحقیق حاضر این است که به راهبردهای تحقق وفاداری و نیز مواجهه با بی‌وفایی، به معنایی که آن‌ها بی‌وفایی تصور می‌کنند، می‌پردازد؛ بنابراین با توجه به این دو جنبه نوآورانه، تحقیق حاضر می‌تواند داده‌هایی به داده‌های پیشین بیفزاید و احتمالاً تصویری از دگرگونی‌های ایجادشده در بین دو نسل دختران متأهل تهرانی و مادران آن‌ها ارائه دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر تحلیل مضمون است. این روش چنان‌که براون و کلارک به تشریح آن پرداختند، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. یک مضمون یا تم چیزی مهم درمورد داده‌های مرتبط با سؤال تحقیق را به تصویر می‌کشد (6: Braun, & Clark, 2006). در این پژوهش نیز هدف، استخراج الگویی تکراری و متمایز در تجربه مادران و دختران است؛ بنابراین با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به مضمون یا الگوی مشترک استخراج‌شده از ادراک مفهوم وفاداری می‌پردازیم. در این پژوهش نمونه‌ها از میان دختران متأهل ۲۳-۳۳ سال و مادرانشان انتخاب شدند (میانگین ازدواج دختران در شهر تهران ۲۸ سال است و نمونه‌های سنین ۵ سال کمتر تا ۵ سال بیشتر از میانگین انتخاب شدند). ملاک تعیین حجم نمونه، به‌اشباع‌رسیدن داده‌ها بود. با انجام ۲۴ مصاحبه (۱۳ مادر و ۱۳ دختر) داده‌ها به حالت تکرار رسید. پژوهش در بازه زمانی نیمه دوم سال ۱۴۰۰ و نیمه اول سال ۱۴۰۱ به انجام رسید. در جدول ۱ مشخصات زمینه‌ای نمونه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

ردیف	نام	نسبت	سن	مدت ازدواج	تعداد فرزندان	تحصیلات	شغل
۱	طاهره	مادر	۵۰	۲۵ سال	۳	ارشد جامعه‌شناسی	معلم بازنشسته
۲	میترا	دختر	۳۲	۶ سال	۰	لیسانس کامپیوتر	خانه‌دار
۳	مهین	مادر	۵۱	مطلقه	۲	دیپلم	خانه‌دار
۴	مرضیه	دختر	۲۵	۴ سال مطلقه	۰	دیپلم حسابداری	مغازه لوازم آرایشی
۵	فاطمه	مادر	۴۳	۱۳ سال	۱	لیسانس	معلم
۶	مونا	دختر	۲۳	۱ سال	۰	لیسانس	دانشجو مهندسی صنایع
۷	زهرا	مادر	۵۳	مطلقه	۱	دکتری	هیئت علمی دانشگاه
۸	کیانا	دختر	-	۲ سال	۰	دانشجوی پزشکی	دانشجوی پزشکی
۹	مادر عاطفی	مادر	۵۶	۲۵ سال	۲	لیسانس	معلم
۱۰	دختر (عاطفی)	دختر	۴۰	۹ سال	۱	دیپلم	خانه‌دار
۱۱	خ جعفری	مادر	۶۴	۳۰	-	-	معلم
۱۲	روناک	دختر	۳۹	۷	۱	ارشد	-
۱۳	-	مادر	۵۵	بالای بیست سال	۳	راهنمایی	خانه‌دار
۱۴	سمیرا	دختر	۳۹	۹ ساله	۱	ارشد	مدیر مدرسه
۱۵	عارفه	مادر	۵۹	-	۳	بی‌سواد	خانه‌دار
۱۶	نسربین	دختر	۲۵	۷ سال	۰	لیسانس	دانشجوی گرافیک (شاغل در مؤسسه مرتبط)
۱۷	خ ورامینی	مادر	۵۹	۴۰ سال	-	دیپلم	خانه‌دار
۱۸	زهرا	دختر	۳۱	۴	-	ارشد روان‌شناسی	خانه‌دار
۱۹	مهناز	مادر	۵۵	همسر فوت‌شده	۳	راهنمایی	آرایشگر
۲۰	لیدا	دختر	۲۵	۸ ماه	-	لیسانس	دانشجو
۲۱	دلشاد	مادر	۶۱	۳۰	۳	سواد خواندن و نوشتن	خانه‌دار
۲۲	نگین	دختر	۲۸	۱۲	۱	دیپلم	ناخن‌کار
۲۳	مادر زهرا	مادر	۶۱	۳۳	-	دیپلم	خانه‌دار
۲۴	انسیه	دختر	۵۷	۳۵	-	دیپلم	خانه‌دار
۲۵	زهرة	مادر	۳۱	۱۱	-	لیسانس	خانه‌دار

۴. یافته‌های پژوهشی

با تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق و کدگذاری عبارت‌های معنای، تعداد زیادی مفاهیم و درنهایت ۱۵ مقوله اصلی شناسایی شد. با توجه به اهداف اصلی و فرعی، ما ۱۵ مقوله اصلی تحقیق را در سه محور دسته‌بندی کرده‌ایم. محور اول مقوله‌هایی است که به تعاریف وفاداری و معنای آن از جانب مشارکت‌کنندگان در تحقیق برمی‌خیزد. محور دوم شامل راهبردهایی است که مادران و دختران در ارتباط با وفاداری / بی‌وفایی اتخاذ کرده‌اند و محور سوم مداخله‌گرها، یعنی عوامل و شرایطی که بر انتخاب راهبردهای نام‌برده تأثیرگذار بوده است.

۴-۱. محور اول: تعاریف و بازنمایی معنای وفاداری

۴-۱-۱. ارکان چندگانه معنای وفاداری

جدول ۲. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله ارکان چندگانه وفاداری

ارکان چندگانه معنای وفاداری	درک و همدلی کردن (در ۶ مورد تکرار)	خیانت‌نکردن، چشم‌پاکی (در ۱۳ مورد تکرار)
	یعنی احترام گذاشتن (در ۶ مورد تکرار)	پایبندبودن و همراهی در هر شرایطی، حمایت و طرفداری (در ۹ مورد تکرار)
	گذشت کردن (در ۵ مورد)	تعهدداشتن (در ۸ مورد تکرار)
	اعتماد و اطمینان (در ۴ مورد)	روراستی و صداقت (در ۷ مورد تکرار)
	محدودنکردن (در ۲ مورد)	عشق و دوست‌داشتن (در ۶ مورد تکرار)

در میان مشارکت‌کنندگان تحقیق، وفاداری به‌طور گسترده معنا شده است. به‌ترتیب و برحسب میزان فراوانی، آن‌ها را به چند دسته تقسیم کرده‌ایم: الف) وفاداری به معنای یک کنش و عمل: خیانت‌نکردن همچنان به‌عنوان پرتکرارترین مفهوم و معنای سلبی از وفاداری در میان زنان و دختران بیان شده است؛ به معنای همراه‌بودن در شرایط سخت زندگی، احترام گذاشتن، ثبات‌قدم‌داشتن؛ ب) وفاداری به معنای رابطه‌ای عموماً حقوقی: تعهدداشتن به پیمان و قول و قرار، تعهدداشتن به نقش و انجام مسئولیت و وظایف، حمایت از همسر؛ پ) وفاداری به معنای نوعی نگرش و پیوند درونی: عموماً مبتنی بر صمیمیت، عشق، ابراز محبت و دوستی، به فکر یکدیگربودن، به فکر نیازهای دیگری بودن، دل‌نشکستن، درک دیگری، همدلی، اعتماد و اطمینان؛ ت) وفاداری به معنای اصلی از اصول اخلاقی: راستگوبودن، چشم‌پاکی، حفظ آبرو، گذشت، ایثار، مدارا و ث) وفاداری در معنای سلبی آن: محدودیت ایجادنکردن برای دیگری، بی‌آبرویی‌نکردن، بده‌بستان‌نکردن، دروغ‌نگفتن، پنهان‌کاری‌نکردن، لجبازی‌نکردن، کینه‌نورزیدن.

۲-۱-۴. تفسیر نسلی از مفهوم وفاداری

جدول ۳. مفاهیم تشکیل دهنده مقوله تفسیر نسلی از مفهوم وفاداری

تفسیر نسلی از مفهوم وفاداری	سلب اخلاقیات از معنای وفاداری	عدم ارتباط دینداری و وفاداری
	خودمحوری برخلاف مادر	چارچوب محدودیت نیافرین
	پای هم بودن نه قربان صدقه رفتن	معنای فرادینی وفاداری
	عشق ضامن وفاداری	تفاوت وفاداری سنتی و امروزی
		وفاداری یعنی رابطه ناب و عاشقانه

آنچه در یافته‌های تحقیق مشخص است، فهم و تصویری متفاوت از مفهوم وفاداری و نیز راهبردهای مواجهه در دو نسل مورد مطالعه است. مادران دائماً بر مؤلفه‌ها و ارزش‌هایی مانند بخشش، صبر، گذشت، مدارا، همراهی همیشگی، ارزش‌های مذهبی و... تأکید داشته‌اند. این در حالی است که عموماً نسل جدید نگاهی باثبات به وفاداری ندارند و به اقتضای تغییر در اوضاع می‌توانند پایان رابطه را اعلام کنند. برای آنان مفهوم وفاداری با عشق و صمیمیت و روابط ناب همراه است و به‌زعم بدیدو عشق و دوست‌داشتن خواص خاصی برایشان به ارمغان می‌آورد. این در حالی است که برخی مادران به‌وضوح اعلام کرده‌اند که برای آن‌ها زندگی معنایی و رای عشق‌ورزیدن دارد. در میان نسل جدید فردی‌سازی سبک زندگی در ارتباط با خانواده را بیشتر می‌بینیم؛ درحالی‌که در نسل مادران، ارزش‌های جمع‌گرایانه بیشتر است. نقل قول‌های زیر که از هر دو نسل هستند، امکان مشاهده این تغییرات را برای ما فراهم می‌آورند:

کد ۱۷: «خیلی مثل جوونای امروزی اهل مدام گفتن و عشقولانه درکردن نیستیم که صبح تا غروب قریون صدقه باشه بینمون و قربونت برم می‌میرم برات و... ازین چیزها. ما بیشتر با همین ساختن با همدیگه و پای هم بودن ثابت کردیم به هم که همدیگه رو دوست داریم. آخه می‌دونی... جوونای الان همین جور که تبشون تنده زود هم لرز می‌کنن و سر مسائل بیخود زندگیشون رو می‌پاشونن.»

کد ۱۲: «من نمی‌تونستم مثل مادر صبور و با درک بالا باشم. من خودمو و خواسته‌های خودمو مهم‌تر می‌دونستم و نمی‌خواستم تباه بشم. خودسرانه درخواست طلاق دادم.»

۳-۱-۴. وفاداری آزادی بخش

جدول ۴. مفاهیم تشکیل دهنده مقوله وفاداری آزادی بخش

وفاداری آزادی بخش	یعنی حفظ آزادی	یعنی حفظ آزادی
	عزت نفس پایین عامل حسادت	عزت نفس پایین عامل حسادت
	لزوم کنار هم بودن آزادی و وفاداری	لزوم کنار هم بودن آزادی و وفاداری
	وفاداری یعنی رابطه ناب و عاشقانه	وفاداری یعنی رابطه ناب و عاشقانه
	وفاداری یعنی عشق	وفاداری یعنی عشق

می توان ادعا کرد برای نمونه‌هایی از دختران، وفاداری مفهومی نزدیک به رابطه ناب گیدنز دارد. در این معنا، تصور از وفاداری به معنای عشق ناب، صمیمیت بالا و دوست داشتن خالص است و دقیقاً تا زمانی رابطه زناشویی پابرجا است که به همدیگر وفادار باشند. وفاداری برای برطرف شدن نیاز به عشق، توجه و دوست داشته شدن است. برای این مشارکت کنندگان، درک از عشق و وفاداری هرگز به معنی ایجاد محدودیت برای طرفین و حصر آزادی‌های آنان نیست. در اینجا کنشگرانی اقدام به محدود کردن طرف خود می کنند که از عزت نفس و تشخیص برخوردار نیستند. این گونه تصور از وفاداری بیشتر در میان دختران با بیشترین میزان تحصیلات و عموماً با خانواده‌های با سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی بالا معنا پیدا می کند:

کد ۸: «وفادار یعنی اینکه تو رو در همه چیز آزاد بذاره؛ یعنی اطمینان و اعتماد داشتن به هم در عین آزادی.»

کد ۱۲: «وفاداری گذشت و ایثار نیست. وفاداری این نیست که من بگم چون شوهرم و من تا آخر عمر با هم زندگی کردیم وفادار بودیم. وفاداری یعنی تا زمانی که همدیگر رو دوست داریم و عشق می‌ورزیم، وفاداریم. وقتی این‌ها از بین بره خودش باید بره و این رابطه رو به پایان برسونه... نمی‌خوام بگم فلانی وفادار باشه باید صادق باشه، دروغ نگه و از این حرف‌ها. ویژگی و بنیاد اصلی وفاداری دوست داشتن و عشقه که همه چیز رو با خودش به همراه می‌آره. صمیمیت، نزدیکی، صداقت، درک و فهمیدن و شناختن و...»

۴-۱-۴. وفاداری به مثابه تعهد به انجام نقش

جدول ۵. مفاهیم تشکیل دهنده مقوله وفاداری به مثابه تعهد به انجام نقش

وفاداری به مثابه تعهد به انجام نقش	وفاداری یعنی تعهد قول و قرار در امور خانوادگی	انجام کارهای خانه	وفاداری یعنی کوتاهی نکردن در امور خانه
		وفاداری یعنی اجازه گرفتن برای رفت و آمد	کوتاهی نکردن از نقش
		شوهرداری	یعنی قبول مسئولیت خانه و خانه‌داری

یکی از نظریه‌های تبیین‌کننده مسائل جنسیتی، تحلیل ساختاری کارکردی است که عموماً بر جنسیت و مکمل بودن تأکید دارند. جامعه‌علی‌الخصوص دو جنس مرد و زن را به دید مکمل نگاه می‌کند و اطمینان می‌دهد زن و مرد به هم نیاز دارند و از تشکیل خانواده سود می‌برند (Macionis, 2016: 2019). در میان نمونه‌ها، عموماً برای مادران، انجام امور خانگی و نقش‌های جنسیتی به این معنا، نوعی مکمل بودن زن و مرد و نشان وفاداری زن به مرد است. زن باید به انجام وظایف زنانه مانند خانه‌داری، آشپزی، تربیت فرزندان، اجازه گرفتن از همسر برای خروج از خانه و... بپردازد و انجام دادن این وظایف یعنی وفاداری به همسر. نقل قول‌های زیر نشان می‌دهد زنان هم معمولاً در قبال انجام تعهدات خانگی انتظار وفاداری دارند:

کد ۱۳: «من به‌شخصه خونه‌داری و مسئولیت خونه و کارهای خونه‌مونو در این مدت زندگی‌م تا تونستم خوب انجام دادم.»

کد ۱: «تعهد نباید فقط در زمان وجود ایشون باشه. باید در نبود ایشون وفادار باشم به تعهداتی که به ایشون دادم؛ چه در امور خانوادگی و چه از نظر اخلاقی.»

۵-۱-۴. عاطفه و وفاداری کالایی‌شده

جدول ۶. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله عاطفه کالایی‌شده

عاطفه و وفاداری کالایی‌شده	آرامش با دوستی با جنس مخالف	عبورکردن از مسئله با عذرخواهی ساده	وضع شغلی خوب همسر
	خراب‌نکردن رابطه	تصور متفاوت از خیانت	داشتن روابط زناشویی خارج از رابطه

یکی از مقوله‌های تحقیق را «عاطفه و وفاداری کالایی‌شده» نام‌گذاری کرده‌ایم. این پدیده عمدتاً در تعدادی از دختران مشاهده شده است. در میان این نمونه‌ها، دنیایی عاطفی خاصی ایجاد شده که به‌نظر می‌رسد تحت تأثیر نوع نیازمندی‌های عمدتاً اقتصادی خویش، وضعیت مالی همسر و نوعی حس‌بگری عقلانی و محاسبه نفع شخصی باشد. ایلوز بر این اعتقاد بود که فرهنگ سرمایه‌داری یک فرهنگ شدیداً احساسی را در محل کار، خانواده و در روابط ایجاد کرده است. برخی از نمونه‌های تحقیق که احساسی از نوع بی‌وفایی همسر را تجربه کرده بودند، گفتند از این مسئله اطلاع و آگاهی دارند، ولی به‌خاطر تأمین شرایط زندگی توسط همسر، فراهم کردن لوازم مصرفی و گاهی تجملی آنان تصمیم به جدایی نگرفته‌اند. آنان در مواجهه با این مسئله معمولاً در تلاش‌اند کمبودها و خلأهای عمدتاً سطحی و فیزیکی خود را برطرف سازند و از این طریق اقدام به افزایش محبوبیت خود کنند:

کد ۲۴: «اگر وفاداری رو در داشتن رابطه با شریک دیگری خلاصه کنیم خیر، ایشون وفادار نبوده، ولی در اینکه زندگی رو تأمین کنه... اما متأسفانه روابط خارج از زناشویی هم داشته که زندگی مون رو خیلی تحت تأثیر قرار داده... بله همون جوری که گفتیم، وقت‌های زیادی شده که بحث و مجادله و قهرهای طولانی داشتیم و فقط به‌عنوان دو تا هم‌خونه زیر یه سقف زندگی کردیم.»

کد ۲۶: «بین دیگه به یه جایی می‌رسی که دیگه ده یازده سال زندگی به نظرم ارزش خراب کردن نداره؛ یعنی تو دیگه نمی‌تونی متأسفانه به کسی اعتماد کنی. دیگه مخصوصاً تو این دوره و زمونه نمی‌تونی از صفر شروع کنی. نمی‌تونی برگردی خونه بابات. اینا ممکنه یه سری از چیزها رو نتونی تحمل کنی. پس خب عیب نداره... به جایی می‌رسی که معمولاً تو می‌گی که خب الان این جوریه دیگه. نه اینکه بسوزم... ولی من خودم پا بده به نظرم رابطه جنسی هم برقرار می‌کنم، چون که بالاخره تا کی. نه اینکه مثلاً حالا بخوام شورشو دربیارم، ولی خب بالاخره می‌دونید؟ می‌بینی با یکی انقد حالت خوبه...»

۲-۴. محور دوم: راهبردها

در این قسمت از یافته‌های تحقیق به راهبردهایی خواهیم پرداخت که مادران و دختران برای وفاداری / بی‌وفایی اتخاذ کرده‌اند.

۱-۲-۴. بینش ترمیمی مادران

جدول ۷. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله بینش ترمیمی مادران

بینش ترمیمی مادران	گذشت	پای خوب و بدماندن	مدارا با همسر	تشبیه همسر به گل	تلاش برای بهتر شدن روابط
	کینه‌ای نبودن	مقابله به مثل نکردن	عیب‌نگیری	تلاش برای رشد رابطه	دادن فرصت دوباره
	پشت‌هم را خالی نکردن	نداشتن توقع زیاد	مزیت صبر و عجز نبودن	وفاداری در هر شرایط خوب و بد	نگاه مادری به روابط زناشویی
		پایبندی باثبات	همراهی با همسر	تلاش برای ایجاد خلاقیت در رابطه	گذشتن از خطا

برحسب تقسیم‌بندی‌های وگت می‌توان از نوع مدارای اجتماعی برای مادران در مواجهه با همسرانشان در چالش‌های زندگی یاد کرد، آنان حتی اگر موقعیت‌هایی را می‌دیدند که مصداق وفاداری نبود، در تلاش برای ترمیم روابط خود با همسرانشان بودند. در جامعه‌شناسی مفهوم ترمیم را بیشتر در دستگاه نظری دورکیم می‌شناسند. دورکیم وقتی از مجازات‌های ترمیمی صحبت به میان

می‌آورد، می‌گوید این مفهوم لزوماً دربردارنده محرومیتی برای متخلف نیست، بلکه عبارت است از ترمیم دوباره امور و برگرداندن مجدد روابط برهم‌خورده و بازآوردن آن‌ها به روال عادی (Durkheim, 1980: 68). تلاش برای ترمیم دوباره یکی از راهبردهای عموم مادران در مواجهه با چالش با همسران بوده است. تعبیرهایی که آنان از این وضعیت‌ها دارند جالب است: تشبیه همسر به گل که اگر پژمرده شد، باید مراقبت کرد و آب داد که دوباره رشد کند؛ تشبیه همسر به بچه که مادر باید از خطای او بگذرد و قابل‌قیاس‌ندانستن او با لباس که آن را بتوان به راحتی بیرون انداخت و... نمونه‌هایی از بینش ترمیمی مادران است. آن‌ها دائماً از لزوم ارزش‌هایی مانند صبر و تعجیل‌نکردن می‌گویند:

کد ۱۳: «شوهرم وفادار بوده و بی‌وفایی ندیدم. عصبیه و به جاهایی بد/اخلاقی می‌کنه، اما کور نیستم. می‌بینم برای زندگی تلاش کرده. می‌بینم منو دوست داره، بروز نمی‌ده.»
 کد ۱۹: «به قول ما قدیمی‌ها سرم بره قولم نمی‌ره. پدر و مادرم بهم می‌گفتن با لباس سفید برو و با کفن سفید، اینا مهم بود برای ما.»

کد ۲۱: «عجول نبودم (خنده). شما جوونا خیلی عجولین. به شبه می‌خوان همه چیزو کاسب بشین. تو زندگی عجولی بهت ضربه می‌زنه. آدم عجول نباشه آرامش و صبرش زیاده. همه‌ش دنبال عیب مردم و شوهرت نیستی. عجول نباشی به فکر زندگی خودتی.»

۲-۲-۴. کنشگری مبتنی بر حذف در دختران

جدول ۸. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله کنشگری مبتنی بر حذف

کنشگری مبتنی بر حذف	احساس بی‌وفایی در همسر و درخواست طلاق	بهادادن به خود در رابطه
	کوتاه‌نیامدن	پایان عشق، پایان رابطه
	زودرنج‌بودن	عدم مدارا با بی‌وفایی
	لزوم کوتاه‌آمدن همسر	

باومن در تشریح روابط انسانی در عصر جدید، از حاکم‌شدن منطق بازار بر رفتار افراد در روابط با دیگران می‌گوید که خود آزادانه در این بازار می‌گردند و بهترین را انتخاب می‌کنند. برعکس رفتار مادران، دختران نه تنها اعتقادی به ترمیم ندارند، بلکه مقرون‌به‌صرفه‌ترین عمل را در مواجهه با احساس بی‌وفایی دارند. برای آن‌ها لزوماً وفاداری به معنای ماندنی طولانی در کنار همسر نیست. آن‌ها معمولاً از این روابط به دنبال اهدافی خاص از قبیل تمنای عشق و دوست‌داشتن زیاد هستند و اگر احساس کنند این کارکرد ازدواج آن‌ها در حال از بین رفتن است، به قطع و حذف رابطه فکر می‌کنند. مانند، سازگاری، جنگیدن و کنارآمدن برای آنان ضدارزش محسوب می‌شود:

کد ۱۲: «وفاداری گذشت و اینار نیست. وفاداری این نیست که من بگم چون شوهرم و من تا آخر عمر با هم زندگی کردیم وفادار بودیم، وفاداری یعنی تا زمانی که همدیگر رو دوست داریم و عشق می‌ورزیم، وفاداریم. وقتی این‌ها از بین بره، خودش باید بره و این رابطه رو به پایان برسونه.»

۳-۲-۴. متقاعدسازی مؤثر

جدول ۹. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله متقاعدسازی مؤثر

متقاعدسازی مؤثر	گفت‌وگو در زمان مناسب	پنهان‌کاری نکردن	پذیرش اختلاف سلیقه
		پرهیز از اجبارگزینی	بی‌احترامی نکردن
	گفت‌وگو در شرایط روحی مناسب	گفت‌وگو در عین حفظ حریم	گفت‌وگو برای اختلافات
	غرنزدن		نتیجه‌بخش بودن گفت‌وگو
	پیش‌قدم‌شدن برای حل مسئله	حفظ استقلال همسر	شناخت نیازهای همسر

اقناع، فرایندی ارتباطی است که هدف آن نفوذ در گیرنده پیام است (Kia & Saidi, 2004: 29). برای این مفهوم، ویژگی‌هایی قائل‌اند که تفاوت آن را با مفاهیم دیگر از قبیل تبلیغ و ترغیب نشان می‌دهد: اقناع تلاش صادقانه برای مجاب‌کردن مخاطب به پذیرش موضوع و خواسته به وسیله ابزار مناسب است (Motevali, 2005: 73). یکی از راهبردهای مشارکت‌کنندگان تحقیق، خواه مادران و خواه دختران، برای حل چالش‌های مرتبط با احساس بی‌وفایی یا به‌خطراتادن مفهوم وفاداری (در معنای مورد نظر آن‌ها) متقاعدسازی است. مادران و دختران معمولاً از راهبردهای خاصی برای اقناع‌سازی استفاده می‌کنند. برخی از این شرایط به شرح زیر است: فراهم‌آوردن شرایط گفت‌وگو با همسر در زمان، احترام به استقلال فکری همسر، شناخت نیازهای همسر، مکان و حالت‌های روحی و رفتاری مناسب همسر، پیش‌قدم‌شدن برای گفت‌وگو، تغییر جهت رفتار به سمت رفتارهای دوستانه‌تر، عذرخواهی کردن، کنترل و چک کردن کمتر، ایجاد فضای آرام، حفظ حریم و احترام به تفاوت‌ها، حمایت‌گری عاطفی و مالی، عدم تحمیل نظر، صادقانه عمل کردن، ارائه شفاف اطلاعات و واقعیت‌ها، عدم پنهان‌کاری.

کد ۵: «با توجه به شناختی که از همسر دارم، تایمی که اوکیه وارد گفت‌وگو بشم و بی‌محابا هر تایمی نباشه. سعی می‌کنم طرفم در آرامش باشه، بعد وارد گفت‌وگو بشم. هر وقت عصبی باشه مطمئنم به نتیجه نمی‌رسیم.»

کد ۱۶: «چیزی که این رابطه مون رو حفظ کرده اینه که قدر دانم. خیلی موقع‌ها بابت درکش و خیلی مسائل دیگه ارزش تشکر می‌کنم. با شاخ گل یا هدیه یا یه چیز کوچیک. براش رازدار و به قول خود همسرم گنجینه اسرارشم. اینا باعث شدن از هم دور نشیم.»

۴-۲-۴. راهبرد مشروطیت بخشی

جدول ۱۰. مفاهیم تشکیل دهنده مقوله راهبرد مشروطیت بخشی

راهبرد مشروطیت بخشی	خیانت همسر و مشروط‌سازی ادامه رابطه	خیانت همسر و مشروط‌سازی ادامه رابطه
	طرح حق و حقوق و ضمانت اجرایی بعد از خیانت همسر	طرح حق و حقوق و ضمانت اجرایی بعد از خیانت همسر
	بازگشت به پشتوانه قیدکردن حق و حقوق	بازگشت به پشتوانه قیدکردن حق و حقوق

اتفاقی که برای روابط مشارکت‌کنندگان با همسرانشان می‌افتد، گاه تلاش در حفظ رابطه و گاه پیوند مجدد است. در اینجا در مورد خود رابطه اندیشه نمی‌شود و علت ادامه رابطه در این وضعیت، عواملی فراسوی جاذبه و توجه به طرف دیگر رابطه است که اشخاص را وادار به تحمل یکدیگر می‌کند. برخی مدعی بودند که عموماً تجربه‌ای ناشی از خیانت یا احساس بی‌وفایی داشتند. با توجه به شرایط نامساعد اقتصادی خانواده پدری بعد از این فهم و تفسیر، زن تغییر راهبرد می‌دهد و ادامه رابطه را مشروط می‌کند، به عبارتی تداوم رابطه را در الزام همسر به رعایت بندها و شرط‌های دیگری می‌کند که قبلاً در مورد آن‌ها صحبتی نکرده بود. یکی از این موارد، حق و حقوق قانونی از قبیل حق طلاق و... است. معمولاً این راهبرد در میان دختران انجام می‌شود و عموماً بعد از مشاوره با کارشناس دست به این راهبرد می‌زند:

کد ۱۸: «من به پیشنهاد دوستم که شوهر اونم بهش خیانت کرده بود و اون رفته بود مشاوره. بهش گفته بود اگه می‌تونم بیخشی و شکاک و بدبین نباشی، بیخش و برگرد به زندگیت، ولی اولاً اون آدم گذشته نباش و تغییر رفتار بده، دوم اینکه قطعاً برو و حقوقت رو محضری بگیر؛ مثل حق طلاق و حضانت و... منم شرط گذاشتم که باید حق طلاق بهم بده تا برگردم. خیلی مقاومت کرد، ولی وقتی دید چقدر جدی‌ام، اومد و امضا کرد.»

کد ۲۴: «فرد واسطی کمکم کرد که تجربه مشاوره دادن داشت. از من خواستن با خانواده همسر صحبت کنم و از اون‌ها تعهد بگیرم. می‌گفت به تضمین قوی بگیر.»

۴-۲-۵. سه‌گانه گفت‌وگو، مشاوره یا دوست‌محوری

هم در میان مادران و هم در میان دختران، تلاش برای گفت‌وگو و در ادامه اقناع‌سازی طرفین راه‌حلی بود که بارها مورد استفاده قرار گرفته بود. هرچند در کم‌وکیف نحوه اقناع‌سازی دختران و مادران تفاوت‌های وجود دارد و تعداد دخترانی که صریحاً اعلام می‌کردند در جریان گفت‌وگو، همسر

آنان بیشتر قانع می‌شود و «کوتاه می‌آد» بیشتر بود. محور گفت‌وگوها در مورد مسئله‌ای بوده که در آن‌ها احساس فاصله، بی‌اعتمادی، خیانت و... ایجاد کرده بود. نمونه‌های زیر نقل قول‌هایی هستند که بر محوریت راهبرد گفت‌وگوی زن و مرد تأکید دارند:

کد ۲: «اختلاف‌هایی با هم داشتیم با حرف زدن حل شده با کوتاه‌اومدن من یا کوتاه‌اومدن همسر. البته صادقانه بگم همسرم بیشتر کوتاه می‌آد و اصلاً لجباز و اهل خشونت نیست. منطقی حرف‌هاشو می‌زنه، ولی منو مجبور نمی‌کنه نظرشو بپذیرم. با گفت‌وگو سعی داره حل بشه. می‌دونی به خاطر این اخلاقیاتش و ذات خویش، منم راستش بعضی رفتارهای بدمو تغییر دادم.»

یکی دیگر از راهبردهای حل مسئله، ارجاع آن به مشاور بود. این راهبرد عموماً در دختران مورد استفاده قرار گرفته بود. به نظر می‌رسد برای این گروه، متخصص‌ها بیشتر از خانواده و دیگران متقاعدکننده هستند؛ چرا که آنان در مقایسه با بقیه اطلاعات دقیق‌تر و به‌روزتری دارند، تجربهٔ بهتری دارند و از همه مهم‌تر گمنام هستند:

کد ۳: «یه جاهایی هم از مشاوره کمک گرفتیم. البته بهش (همسر) گفتم دارم می‌رم پیش مشاور. اونم استقبال کرد و گفت حاضره خودشم بیاد. این حرف و این‌طور رفتار کردن برام یه دنیا ارزش داشت و داره. به خاطر همین تصمیم گرفتیم منم خودمو هرچند جزئی به‌لحاظ رفتاری تغییر بدم. خدا رو شکر نتیجه گرفتیم و اون اختلاف‌هامون کمتر شده.»

علی‌رغم اینکه نمونه‌ها به دستاوردهای مثبت مشاوره اشاره کردند، برخی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق به دلایلی از قبیل هزینه‌بر بودن آن به‌لحاظ مالی از ادامه‌دادن جلسات منصرف شده بودند:

کد ۲۴: «مشاور هم که می‌دونین خیلی گرونه و هزینهٔ زیادی داره. جلسهٔ اول ازم کلی تست‌های مختلف مربوط به شخصیت‌شناسی گرفتن و بابت همهٔ اون تست‌ها جداگانه هزینه گرفتن... این‌ها فقط می‌خوان پول بگیرن.»

در میان مادران، به‌ویژه مادران با سرمایهٔ تحصیلی پایین‌تر، مشاورهای خانواده به‌دلیل تشویق زوجین به جدایی و بزرگنمایی مشکلات، مورد انتقاد بوده‌اند:

کد ۱۷: «مشاورها الان بیشتر جوونا رو دور می‌کنن از هم. بیشتر تشویق به طلاق می‌کنن. دختر همسایهٔ ما با نامزدش یه مشکل کوچیک پیدا کرد. تا رفت مشاوره بهشون گفت شما دو تا به درد هم نمی‌خورین. از رو همین تستای شخصیت‌شناسی و اینا... بیخودی دل دو تا جوون رو به زندگی‌شون بد کرد.»

یکی دیگر از راهبردها که عموماً نسل دختران از آن استفاده می‌کنند، کمک گرفتن از دوستان نزدیک و معتمد برای حل مسئله است:

کد ۴: «با یکی از دوستانم گفتم می‌خوام شوهرمو امتحان کنم. بهش پیام بده...»

۶-۲-۴. بازاندیشی در روابط

جدول ۱۱. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله بازاندیشی در روابط

بازاندیشی در روابط	پذیرش اشتباه	تمرکز از همسر بر خود
	به صورت جدی فکر کردن	اطمینان پیدا کردن به خود
	شناخت از خود	ترس و فکر به آینده

گیدنز بر این اعتقاد است که یکی از ویژگی‌های انسان مدرن، تشخیص بخشی به خود، تفکر و توجه به شخصیت خود و دیگران است (Giddens, 2008). پروژه بازاندیشانه به معنای گیدنزی آن، وضعیتی است که در میان گروه‌های نمونه ما و عمدتاً در میان نسل دختران وجود داشت. آن‌ها با تمرکز جدی بر خود یا همسر، بعد از وقوع هرگونه چالشی که وفاداری آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده بود، سعی در ایجاد شناختی دوباره از خود یا همسر می‌کنند و از این منظر اقدام به مدیریت رابطه می‌کنند:

کد ۲۴: «خودم رو تمام و کمال پایبند و متعهد به زندگی و همسر می‌دونستم. رفته‌رفته با بالا بردن سطح آگاهی خودم تمرکز رو از روی همسر برداشتم و سعی کردم در درجه اول به خودم و هویت خودم اعتماد و اطمینان پیدا کنم. بین وقتی آدم به خودش اطمینان داره و عزت نفسش بالاست، مرد هم بیشتر سعی می‌کنه به اون زن بها بده. مردها از زنای اهل پیشرفت، اهل معاشرت و دارای یه ویژگی خاص، بیشتر توجه نشون می‌دن.»

۳-۴. محور سوم: مداخله‌گرها

منظور عوامل و شرایطی است که بر انتخاب راهبردهای نام‌برده تأثیرگذار بوده است که در ادامه به تشریح هریک می‌پردازیم:

۱-۳-۴. سایه خانواده پدری و مرجعیت مادر

جدول ۱۲. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله سایه خانواده پدری و مرجعیت مادر

سایه خانواده پدری و مرجعیت مادر	یادگیری وفاداری در خانواده	درس گرفتن از تجارب مادر	تأثیر وفاداری مادر بر فرزند دختر
	یادگرفتن از پدر و مادر	تمثیل والدین برای وفاداری	حمایت مادر
	همراهی و مشورت مادر در موقع ازدواج	ذهن باز مادر	راهکارگرفتن از مادر
		ارتباط گرم پدر و مادر	ارجاع دختر به مشاور توسط مادر

گروه‌های مرجع یکی از معیارها و الگوهایی است که هرکس نقش خود را در یک موقعیت معین براساس آن ارزیابی می‌کند. فرد با این مقایسه می‌تواند مشخص کند که آیا نقش خود را به‌درستی ایفا کرده است یا خیر (Cohen, 2007: 83). دختران نمونه تحقیق نیز دائماً برای تعریف وفاداری، قیاس آن و راهبردهای لازم از والدین و به‌خصوص گفته‌ها، اقدامات، منش‌ها و توصیه‌های مادر صحبت به میان می‌آوردند. روابط گرم والدین و وفاداری آن‌ها به همدیگر همواره وضعیت خوشایندی بوده که دختران زندگی خود را با آن مقایسه می‌کردند و در پی پیروی از خط‌مشی آنان بودند یا حداقل آن را به‌عنوان وضعیتی آرمانی ستایش می‌کردند. برای برخی، مادر نخستین فردی بود که از اخبار رابطه دختر با همسر مطلع می‌شد؛ گاهی خود برای آن توصیه‌هایی داشت و گاهی آن را به مشاور ارجاع می‌داد. برای برخی دیگر از دختران اما وضعیت به‌گونه‌ای دیگر بود. گاهی شرایط سخت خانواده، تشتت روابط و تنش‌های والدین با یکدیگر و... فضایی نامطلوب ایجاد کرده بود که دختر را به تصمیم عجولانه برای ازدواج سوق داده بود و چیزی جز تکرار مسائل مادر، اعتیاد و خیانت همسر برایش به‌همراه نداشت:

کد ۶: «وفاداری به نظرم یعنی متعهدبودن؛ مثل بابا و مامانم... سال‌ها زندگی مشترک و متعهد و صادق و عاشقانه همو دوست داشتند و دارند. خوشحالم که در چنین خانواده‌ای بزرگ شدم که معنای واژه وفاداری در وجودم و استخون‌هام حکاکی شد و برام دقیق معنا دار کردند و عملاً در زندگی پدر و مادرم دیدم. می‌خوام همین رو ادامه بدم. تا الان هم در زندگی یک‌ساله خودم پیاده کردم.»

کد ۱۰: «این دو (مادر و پدرم) فرهاد و شیرینی بودند که همه بهشون حسودی می‌کردن.»

۲-۳-۴. باورهای مذهبی - اخلاقی و تضمین وفاداری

جدول ۱۳. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله باورهای مذهبی - اخلاقی و تضمین وفاداری

باورهای مذهبی - اخلاقی و تضمین وفاداری	روسیاه‌نشدن	دینداری پایدار
	تعهد به اصول اسلام و اصول اخلاقی	لزوم پیروی از اعتقادات دینی
	پایداری به اصول و دین و مذهب	کمک‌خواستن از خداوند

در کنش سنتی وبر، هدف از کنش و ابزارهای رسیدن به آن، تنها براساس رعایت اصول سنتی امکان‌پذیر است. در کنش‌های مبتنی بر ارزش نیز در نظر گرفتن هدفی غایی پشتوانه انجام کنش و رفتار است. در میان نمونه‌های تحقیق ما و عموماً برای مادران، هم مفهوم وفاداری و هم راهبرد برخورد باید براساس آموزه‌های دینی و اسلامی خود باشد. آن‌ها وفاداری به همسر را گامی در جهت پایداری به اصول دین و مذهب خود و نوعی کنش اخلاقی تفسیر می‌کردند. برای برخی از زنان در

هنگام مواجهه با موقعیت‌هایی که آنان بی‌وفایی همسر تأویل می‌کردند، تنها مشاور و مددکار واقعی خداوند بوده است:

کد ۱۳: «زن وفادار باید صمیمی باشه با شوهرش. مردش هم همین‌طور. ما در دین و قرآن داریم گفته شده خیانت نکنین. خب اگه مؤمن باشیم، به این کلام باید عمل کنیم.»

کد ۱: «اگر خیانت کرده و دروغگو بوده و هر جور بوده، من نسبت به اون تربیت اخلاقیم و اون تعهدی که دارم و اون چیزهایی که به‌عنوان یه فرد مسلمون یا اصلاً مسلمون نه، به‌عنوان فردی که به آداب اخلاقی اعتقاد داره، باید نسبت به این مسئله وفادار باشم و نباید مقابله‌به‌مثل کنم در مقابل بدی ایشون.»

۳-۳-۴. تصور مداخله خانواده و تشدید اختلافات

جدول ۱۴. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله تصور مداخله خانواده و تشدید اختلافات

تصور مداخله خانواده و تشدید اختلافات	مشورت با فامیل یعنی قبول دخالت دیگران	زخم‌زبان خانواده	مشورت با خانواده و لجبازی بیشتر مرد
	دخالت خانواده و آزار همسر	عدم مراجعه به خانواده	نگفتن مسائل و مشکلات نزد والدین
	دور شدن از خانواده همسر و بهتر شدن ارتباطات	دخالت‌ندادن خانواده در موقع خیانت همسر	کمک‌نگرفتن از خانواده و اقوام
	رازداری مسائل خانوادگی	کمک‌نگرفتن از خانواده و فامیل	دخالت بیجای خانواده‌ها

هم در نسل مادران و هم دختران در مواجهه با چالش‌های وفاداری/بی‌وفایی، مداخلات خانواده - خواه خانواده خود و خواه خانواده همسر - بر تعارضات افزوده است. آنان اذعان می‌کنند که پای مسائل زناشویی را نباید به خانواده‌های پدری باز کرد؛ چرا که جز تشدید اختلافات به‌دنبال نداشته است. گفت‌وگو با دوستان نزدیک یا ارجاع به مشاوره، از نظر آنان اقدام سنجیده‌تر و عقلانی‌تری است:

کد ۱۷: «خدا شاهدش تا حالا نشده سر دعواها بنارم برم یا خونه‌مو ترک کنم. به قول مادر بزرگم زن خوب دردش تو دلشه نه تو دل همسایه‌ها؛ یعنی جار نمی‌زنه همه جا مشکلاتش رو. این بود که تا حالا با صحبت و بخشش و گذشت حل کردیم.»

کد ۸: «هر وقت مشکلی پیش می‌آد، با اینکه مامان روان‌شناس کلینیکه و استاد دانشگاه، اما ازش مشاوره نگرفتیم؛ چون معتقدیم نباید خانواده‌هامون رو دخالت بدیم.»

۴-۳-۴. بزنگاه‌های زمانی و اهمیت راهبردهای انتخابی

جدول ۱۵. مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله تصور بزنگاه‌های زمانی و اهمیت راهبردهای انتخابی

بزنگاه زمانی و اهمیت راهبردهای انتخابی	مقایسه شوهر با دیگران	قهرکردن	دوری عاطفی در دوره تولد فرزند
	بارداری ناخواسته و تلاش برای جدایی	اثبات وفاداری در لحظات سخت	بازاندیشی در روابط بعد از زایمان
	عبور از مسئله به مشاوره‌های خوب	فاصله عاطفی در بارداری و اقدام به موقع	محک همسر از طریق دوست

یکی از پدیده‌های مهمی که در میان تعدادی از مشارکت‌کنندگان تحقیق مشاهده شد، تقاطع یک بزنگاه مهم برای آنان در ارتباط با چالش تصور از وفاداری و درنهایت یک انتخاب راهبردی و تصمیم‌گیری است که گاه موفقیت‌آمیز بوده و گاه به پایان رابطه منجر شده است. برای بسیاری از زنان، بزنگاه‌هایی مانند رخداد‌های غیرمترقبه، بارداری، فاصله‌های بعد از بارداری، احساس خیانت و... رخ داده است. در این بزنگاه که انگار بوی احساس بی‌وفایی و جدایی به مشام می‌رسد، هرگونه اقدام در برابر دیگری نتایج مهمی به دنبال دارد. برخی از مشارکت‌کنندگان که عموماً خود و خانواده از تحصیلات، سرمایه فرهنگی و اقتصادی بالاتری برخوردار هستند، با توسل به میانجی‌هایی از قبیل مشاوران یا در برخی موارد دوستان معتمد، در پی چاره‌ای برای مشکل هستند و در تغییر مسیر پیش آمده موفق عمل می‌کنند. اما برخی دیگر از آنان، به نظر می‌رسد با مسیر انتخاب‌های نادرست (قهرکردن، مقایسه همسر با دیگران، تلاش برای آزمودن مکرر و...) بزنگاه را با موفقیت طی نکرده و رابطه را پایان داده‌اند. این دسته از افراد عموماً نوعی از آشفتگی مضاعف را، هم به لحاظ روابط تنش‌آمیز والدین، هم سرمایه‌های فرهنگی پایین‌تر و هم اوضاع نامناسب‌تر مالی خود تجربه کرده‌اند:

کد ۱۰: «وقتی بچه‌م به دنیا اومد، راستش از نظر عاطفی چندی دور شدیم. انگار دیگه مال خودمون نبودیم. همه محبتمون به بچه شده بود. مدتی گذشت تا اینکه دیدم شوهرم تغییرات کوچیکی تو رفتارش دیده می‌شه. حسودی نمی‌کردم، اما مثل قبل توجهش بهم نبود... نمی‌خواستم شوهرم ازم دور بشه. همین شد که تصمیم گرفتم به وقتایی رو به همسرم و خودم اختصاص بدم.»

کد ۴: «همه‌ش می‌گفتم این موادکشیدنشو پنهان کرده، پس حتماً بهم خیانت کرده. خلاصه به یکی از دوستانم گفتم می‌خوام شوهرمو امتحان کنم، بهش پیام بده. زنگ زد و کلی حرف زد و رو اسپیکر گذاشت شنیدم. کاش نمی‌شنیدم. انقدر دل و قلوه می‌داد حالم به هم خورد. به دوستم بعد چند روز پیشنهاد داد می‌شه شب کنار هم باشیم. این ماجرای خیانتش... حروم‌زاده فقط نمایش بازی می‌کرد و من احمق حالیم نبود و بدون اینکه مشاوره بگیرم درخواست طلاق دادم.»

۵. بحث

در این تحقیق بر آن شدیم که تحولات معنایی مفهوم وفاداری و راهبردهای مواجهه را در دو نسل مادران و دختران آن‌ها رصد کنیم؛ دو نسلی که هر دو متأهل‌اند و تجربه زندگی مشترک داشته‌اند. در میان مشارکت‌کنندگان تحقیق، نوعی تکثر معنایی از مفهوم وفاداری وجود داشت که آن‌ها را به شرح زیر دسته‌بندی کردیم: الف) تصور غالب از مفهوم وفاداری در هر دو نسل به معنای خیانت‌نکردن هم از نظر جنسی و هم از نظر عاطفی است؛ ب) معنای دیگری که در هر دو نسل مشترک است، وفاداری به‌مثابه شکلی از روابط مبتنی بر پابندی به تعهد، نقش و مسئولیت است؛ پ) معنای دیگری از وفاداری عموماً در دختران، وفاداری به معنای نوعی علقه و پیوند درونی عاطفی و صمیمیت، عشق، ابراز محبت و دوستی زیاد است؛ ت) وفاداری به معنای اصل مهمی از اصول اخلاقی و دینی که بیشتر مورد تأکید نسل مادران است؛ و ث) وفاداری در معنای سلبی و عموماً سلب‌نکردن آزادی‌های فردی در دختران و کینه‌ای و بی‌آبرو بودن که بیشتر مورد تأکید مادران بود.

یافته‌ها نشان می‌دهد از برخی جنبه‌ها شاهد تحولاتی در حوزه تصور و معنا از وفاداری بین دو نسل هستیم. وفاداری به‌مثابه تعهد به انجام نقش‌های خانه‌تصوری است که مادران از یک زن وفادار دارند که با نظریه جنسیت و مکمل‌بودن همسو است. برای برخی از این مادران، وفاداری به همسر، آموزه‌ای است که در دین و مذهب اسلام بر آن تأکید شده و آنان موظف به اجرای آن هستند، حتی اگر از جانب همسر احساس بی‌وفایی کنند. این یافته‌ها عموماً مؤید کنش عقلانی معطوف به سنت و بر است.

در دیگر سو معنایی از وفاداری در دختران وجود دارد که در میان مادران آنان دیده نمی‌شود؛ وفاداری به معنای نوعی رابطه بین فردی، عاشقانه و صمیمانه که هرگز محدودیت‌آفرین نیست، نه به لحاظ طرز برخورد با دیگران و نه لزوماً پابندی محض به چیزی یا کسی. این وضعیت را در تعبیر گیدنز (۲۰۱۰) از «دگردیسی صمیمیت» و «رابطه ناب» می‌بینیم. در میان این نسل، گونه‌ای دیگر از تعبیر وفاداری وجود دارد که در میان مادران وجود نداشت و آن «رابطه عاطفی کالایی‌شده» است که در آن، از یک سو درک از وفاداری همسر دچار آشفتگی و فروپاشی است و هر دو طرف به این مسئله آگاه هستند، ولی به دلیل نفع شخصی، از جمله تأمین نیازها، به کنارآمدن با این رابطه فروپاشیده و آشفتنه تن می‌دهند؛ بحثی که با حاکم‌شدن روابط مصرفی بر روابط عاشقانه ایلوز قرابت دارد. پس به‌طور کلی می‌توان گفت در بحث فهم و معنای مفهوم وفاداری شاهد نوعی تغییر و تطور هستیم؛ بحثی که با دگرگونی فرهنگی اینگلهارد (۲۰۱۶) و نیز درک متفاوت زنان از مفهوم بی‌وفایی آسایش و همکاران (۲۰۱۷) هم‌جهت است. اینگلهارد اعتقاد داشت نسل جدید به دلیل تجربه شرایط تاریخی

دیگر، شاهد نوعی جامعه‌پذیری متفاوت دیگر است که با نسل گذشته آن فرق دارد. نه تنها در زمینه تصور و معنای وفاداری دگردیسی وجود دارد، بلکه در سازوکارهای مواجهه با بی‌وفایی یا چگونگی وفاداربودن نیز بین این دو نسل تفاوت هست.

۶. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد عموماً نسل مادران برای حفظ وفاداری - خواه از جانب خود و خواه از جانب همسر - به کنش‌های ترمیمی و تعمیری مبادرت می‌ورزند. مدارای اجتماعی و اخلاقی آنان در ابعاد مختلفی خود را نشان می‌دهد: از خودگذشتگی، همراهی، گذشتن از خطا، رازداری و حرمت‌داری، عیب‌جویی نکردن از همسر و مواردی از این قبیل. این نوع راهبرد با کنش‌های عاطفی و بری همسو است. اما در سوی دیگر، کنش‌های غیرترمیمی و مبتنی بر حذف نسل دختران را می‌بینیم. در این نوع نگرش که به نظر می‌رسد فردمحوری بر جمع‌گرایی غلبه دارد، هر آنچه مانع انجام فعالیت‌ها و ارتباطات آنان شود و میزان صمیمیت و عشق و دوستی آنان با همسر را تغییر دهد، بر نوع و میزان وفاداری آنان تأثیرگذار است. برای آنان خارج‌شدن از رابطه هرگز به آن سختی نیست که مادران اشاره داشتند. در حد واسط این دو نوع نگاه، یعنی کنش ترمیمی و کنش مبتنی بر حذف، نوع دیگری از راهبرد وجود دارد که عموماً در زمانی اتخاذ می‌شود که احساس می‌شود همسر وفادار نیست. این نوع کنش بیشتر در میان نسل دختران اتخاذ می‌شود. آن‌ها رابطه را پایان نمی‌دهند، ولی تداوم رابطه را مشروط به اتخاذ تدابیر جدیدی مانند قیدکردن حق و حقوق زن در عقدنامه، تعهد از همسر، حق طلاق و... می‌کنند.

علاوه بر این موارد مشخص شد، هم نسل دختران و هم نسل مادران عموماً اعتقاد دارند دخالت خانواده‌ها مسئله را حادتر می‌کند. این یافته با مطالعه فتحی و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. گروه مطالعه ما ترجیح دادند یا خود مستقیم با همسر صحبت کنند یا از واسطی معتمد (عموماً دوستان) استفاده کنند یا به نهادهای تخصصی‌تر از قبیل مراکز مشاوره مراجعه کنند.

در هر صورت، جمع‌بندی تحقیق ما در زمینه تصور از وفاداری یا نوع راهبردهای اتخاذشده به قرار زیر است: مؤلفه‌هایی سنی بر نوع تصور از وفاداری، نقش مهمی دارند. تصور عموم مادران از بی‌وفایی خیانت است. دخترانی که به لحاظ سنی به مادران نزدیک‌ترند، تعریف مشابهی دارند، اما در دختران جوان‌تر تعریف وفاداری با مفاهیمی مانند عشق و صمیمیت و آزادی‌بخشی بیشتر سوق پیدا کرده است. تا زمانی وفاداری هست که عشق باشد. وقتی عشق نباشد رابطه فرومی‌پاشد یا به مرز آن نزدیک می‌شود. این نتیجه به «تعهد سیال» زرنیدی و همکاران (۲۰۱۷) نزدیک است. پیشینه و اعتقادات مذهبی و دینی در نوع تصور از وفاداری تأثیر گذاشته است. آسایش و همکاران (۲۰۱۷) در

مطالعه خود بر تأثیر تیپ یا گونه شخصی مذهبی بر نوع راهبرد انتخابی در مواجهه با بی‌وفایی تأکید دارند. این مؤلفه بیشتر در میان مادران دیده شده و وفاداری به‌عنوان وظیفه‌ای مذهبی تعبیر شده است؛ سرمایه تحصیلی مادران و دختران بر نوع نگاه آنان از وفاداری تأثیر گذاشته است. افراد با سرمایه تحصیلی بالاتر، تصورات جدیدتری از وفاداری دارند. سرمایه فرهنگی و عمدتاً تحصیلی خانواده و به‌ویژه مادر، در کمک به انتخاب نوع راهبرد دختر در زمان چالش وی نقش بسیار مهمی دارد. جایی که سرمایه فرهنگی بالا باشد، حتی اگر زندگی مادر به طلاق ختم شده باشد، با تجربه و هدایت فرزندش، حل مسئله زناشویی دختر راحت‌تر و سریع‌تر انجام می‌شود. هدایت دختر به‌سمت استفاده از مشاورهای خوب خانواده، گفت‌وگومحوری و پای خانواده‌ها را بازکردن، از جمله این راهبردها بوده است. این در حالی است که اگر سرمایه فرهنگی پایین باشد، از جانب هر دو طرف، مواجهه نادرست در زمینه عدم وفاداری یا احساس عدم وفاداری، به طلاق منجر شده است. مؤلفه سن هم در نوع انتخاب راهبردها اثرگذار است. راهبرد ترمیمی بیشتر در میان نسل مادران و راهبرد مشروط‌ساز، حذفی، روابط عاطفی کالایی شده، مراجعه به مشاوره و... بیشتر در میان نسل دختران دیده شد. مادران استفاده کمتری از مشاوره داشتند. گاهی تصور مناسبی از آن به‌دلیل ترغیب جوانان به جدایی نداشتند. سرمایه‌های اقتصادی پایین‌تر، هم در دختران و هم در مادران در نوع راهبردهای انتخابی مؤثر است. افراد با پیشینه اقتصادی ضعیف‌تر معمولاً کنشگری ترمیمی و مشروط را بیشتر انتخاب می‌کنند تا راهبردهای حذفی. راهبرد حذف در میان افراد مستقل به‌لحاظ اقتصادی بیشتر دیده شده است. سازوکار دیگر اثرگذاری بر راهبرد دختران، تجربه گذشته مادران یا به‌طور کلی وضعیت والدینی است. تجربه موفقیت‌آمیز والدین بر پنداشت صحیح و نوع رفتارهای دختر نسبت به همسر تأثیرگذار است.

۷. پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود مطالعه‌ای درمورد تحولات معانی گفتمان وفاداری و راهبردهای مربوط انجام شود که در آن، شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر نسلی به‌تفصیل مطالعه و تأثیر آن بر نوع معانی و تصور هر نسل مشخص شود. با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر سرمایه فرهنگی و تحصیلی بر تصور و نوع راهبرد انتخاب‌شده در زمینه وفاداری، پیشنهاد می‌شود در این زمینه نیز پژوهشی جامعه‌شناسانه انجام گیرد و بر تقویت سرمایه‌های فرهنگی خانواده در سازمان‌های متولی تأکید شود. پیشنهاد می‌شود مطالعه‌ای مشابه درباره پدران و پسران و درک و تفسیر آنان از وفاداری صورت گیرد. همچنین با توجه به اهمیت نقش اعتقادات دینی بر حفظ رابطه، مطالعه‌ای مجزا درمورد نسبت دینداری با تصور از وفاداری و سازوکارهای

اثرگذاری آن انجام گیرد. گفتمان‌سازی بیشتر اتخاذ کنشگری ترمیمی در خانواده‌ها به‌ویژه در نهادهای تخصصی ارائه خدمات مشاوره ضروری به‌نظر می‌رسد. در زمینه مداخلات خانواده‌ها در مسائل زوج‌های جوان باید حساس بود و تقویت راهبردهایی مانند متقاعدسازی، مشروط‌سازی و گفت‌وگومحوری و تضعیف کنشگری مبتنی بر حذف، به حفظ پایداری روابط در خانواده‌ها کمک خواهد کرد.

سپاسگزاری

از تمامی گروه‌های مشارکت‌کننده در تحقیق، برای وقتی که در اختیار نویسندگان پژوهش قرار دادند، تشکر می‌کنیم.

تعارض منافع

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با همین عنوان در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی است و در آن تعارض منافع وجود ندارد.

References

- Afshani, S. A (2002). Study of political tolerance in student organizations. *Master's Thesis in social science*. University of Allameh Tabataba'i. Tehran. Iran. (In Persian)
- Almeling, R. (2009). Cold intimacies: The making of emotional capitalism. *Contemporary Sociology*, 38(2), 184.
- Asayesh, M. H., Farahbakhsh, K., Salimi, B. H., & Delavari, A. (2017). Identifying and explaining the spiritual experiences and reactions of women victims of marital infidelity: A phenomenological study. *The Islamic Journal of Women and the Family*, 6(4), 355-372. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25386190.1397.6.3.3.8> (In Persian)
- Azadarmaki, T. (2010). *Sociology of Iran: Sociology of intergenerational relations*. Tehran: Elm Publication. (In Persian)
- Azadarmaki, T. (2016). *Iranian changes, challenges and future*. Tehran: Teesaa Publication. (In Persian)
- Badiou, A., & Truong, N. (2012). *In praise of love*. New Press, ORIM.
- Bauman, Z. (2005). *Liquid love: On the frailty of human bond*. Translated by: E. Sabeti. Tehran: Qoqnoos Publication. (In Persian)
- Bauman, Z. (2003). *Liquid love: On the frailty of human bonds*. John Wiley & Sons.

- Braun, V., & Victoria, C. (2006). Thematic analysis. In *APA Handbook of Research Methods in Psychology*. Vol. 2. Cooper (Editor).
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <http://dx.doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Çelik, H. (2020). Mothers and parents' marital relations: Influential agents in father-child relations. *World Journal of Education*, 10(1), 164-177. <http://dx.doi.org/10.5430/wje.v10n1p164>
- Sohrabifard, M. M., Mohammadi, F., Esmaeli, N., & Samdifard, A. (2019). The perception of unfaithful men (infidelity) of the causes and factors in preventing Extramarital relations: a qualitative study. *Journal of Counseling Research*, 18(69), 79-105. <http://dx.doi.org/10.29252/jcr.18.69.79>
- Clarke, B. D., & Hattingh, M. J. (2020, November). Impact that website design elements on the users of e-commerce websites. In *2020 2nd International Multidisciplinary Information Technology and Engineering Conference (IMITEC)* (pp. 1-7). IEEE.
- Cohen, B. (2007). *Introduction to sociology*. Translated by: Gh. Tavasoli. Tehran: Samt. (In Persian)
- Craib, I. (2003). *Classical social theory*. Translated by: Sh. Mosamaparast. Tehran: Aghah Publication. (In Persian)
- Durkheim, E. (1980). *The division of labour in society*. Translated by: H. Habibi. Tehran: Ghalam Publication. (In Persian)
- [Etemadifard](#), S. M. (2015). Changes in the family, marriage and divorce. In Ghafari, G., & Javadi Yeghaneh, M. (Eds.), *Report on the social situation of the country*. Vol. 2 (129-170). Tehran: Institute for Social and Cultural Studies. (In Persian)
- Fathi, S., & Motlagh, M. (2018). Globalization and generation gap (A social study of generation gap by focusing on information and communication technologies). *Journal of Strategic Studies of Public Policy*, 2(5), 145-177. http://sspp.iranjournals.ir/article_2481.html?lang=en (In Persian)
- [Firozjaeian](#), A. A., & Ghadiri, H. (2017). A phenomenological study of the causes of marital infidelity. *Journal of Iranian Journal of Social Studies*, 11(1), 123-147. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20083653.1396.11.0.17.2>
- Ghasemi, H., Rasekh, N., & Izadparast, L. (2020). *Communicative literacy*. Tehran: Andishe-Ara Publication. (In Persian)
- Giddens, A. (2005). *The consequences of modernity*. Translated by: M. Salasi. Tehran: Markaz Publication. (In Persian)

- Giddens, A. (2008). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Translated by: N. Tawfiqian. Tehran: Ney Publication. (In Persian)
- Giddens, A. (2010). *Sociology*. Translated by: M. Sabouri. Tehran: Ney Publication. (In Persian)
- Hall, D. R. (2003). *The pure relationship and below replacement fertility*. Canadian Studies in Population [ARCHIVES], 51-69.
- Illouz, E. (2017). Love hurts. Translated by: A. Rezayat. *Journal of Ettelaat Hekmat va Marefat*, 12(3), 26-32. (In Persian)
- Illouz, E. (2019). *The end of love: A sociology of negative relations*. Oxford University Press.
- Inglehart, R. (2016) *Cultural evolution: People's motivations are changing, and reshaping the world*. Translated by: M. Vatar. Tehran: Kavir Publication. (In Persian)
- Kia, A. A., & Saidi, R. (2004). *Introduction to communication, advertising and persuasion*. Tehran: Iran Newspaper Institute publication. (In Persian)
- Macionis, J. (2016). *Social problems*. Translated by: N. Naibi. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communications Publications. (In Persian)
- Mokhtari, M., Kianpur, M., & Aqababae, E. (2018). From 'real love' to 'rational love': A phenomenological study (Lived experience of married actors in Isfahan). *Journal of Women's studies* 9(24), 71-99. https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_3354.html?lang=en (In Persian)
- Motevali, K. (2005). Public opinion and methods of persuasion. Tehran: Behjat Publications. (In Persian)
- Obarisiagbon, E. I., & Ume, O. O. (2022). Empirical investigation of the reasons for marital infidelity among men in Benin City, Nigeria. *Sau Journal of Management and Social Sciences*, 7(3), 82-92. <https://journals.sau.edu.ng/index.php/sjmas/article/view/827/582>
- Phelps, E. (2004). White students attitudes towards Asian American students at the University of Washington: A study of social tolerance and cosmopolitanism. *Dissertation*. New York University.
- Tanhaei, A. H. (1995). An introduction to the schools and theories of sociology. Gonabad: Marandiz Publishing. (In Persian)
- Zarandi, M., Hashemianfar, A., & Kianpour, M. (2017). Women and social construct of marital commitment: A case study of Isfahan City. *Journal of Strategy for Culture*, 10(38), 127-163. http://www.jsfc.ir/issue_5638_6152.html (In Persian)